

نگرش دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی نسبت به همسالان دارای

ناتوانی و عوامل مرتبط با آن

نسرین حبیبیان^۱، محمد کمالی^۲، ملاحات اکبرفهمی^۳

چکیده

آموزش فراگیر تلاش دارد تا هر چه بیشتر دانش آموزان دارای ناتوانی در بین دانش آموزان عادی به تحصیل ادامه دهند. نگرش دانش آموزان عادی به این گروه از دانش آموزان از جمله چالش‌های مهم برای آموزش و پرورش فراگیر است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی نسبت به همسالان دارای ناتوانی صورت گرفته است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از جامعه آماری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی آموزش و پرورش منطقه ۱۰ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ سصد نفر انتخاب شدند. در این تحقیق تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناسی، آشنائی و تعامل با دانش آموزان دارای ناتوانی بر نگرش دانش آموزان نسبت به همسالان دارای ناتوانی بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان نگرش منفی و نیمی دیگر نگرش مثبت نسبت به همسالان دارای ناتوانی داشتند و نیز امتیاز نگرش دانش آموزان پسر و دختر تا حدودی یکسان بود و متغیرهای جمعیت‌شناسی مورد بررسی شامل (جنسیت، اشتغال و تحصیلات والدین) بر نگرش دانش آموزان نسبت به همسالان دارای ناتوانی تأثیری نداشت و نیز از سه گزینه تشکیل دهنده متغیر آشنائی و تعامل (داشتن دوست معلول، مصاحبت با افراد معلول، آشنائی با خصوصیات افراد معلول) تنها گزینه داشتن دوست معلول بر نوع نگرش مؤثر بود. به نظر می‌رسد داشتن دوست معلول باعث بهبود نگرش نسبت به این افراد می‌گردد که بیانگر این واقعیت است که تجربه تماس و آشنائی با دانش آموز دارای ناتوانی می‌تواند بر نگرش نسبت به این افراد تأثیرگذار باشد.

کلید واژگان: آموزش، دانش آموز، ناتوانی، نگرش

مجله تخصصی پژوهش و سلامت

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد

دوره ۲، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

مقاله اصیل پژوهشی

۱- کارشناس ارشد مدیریت توانبخشی، دانشکده

علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲- نویسنده مسؤول: دانشیار آموزش بهداشت،

مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشکده علوم

توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

نشانی: تهران-خیابان میرداماد-میدان مادر-

خیابان شهید نظری-کوچه نظام-مرکز تحقیقات

توانبخشی

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۱۵۷۷

پست الکترونیک: mokamali@tums.ac.ir

۳- کارشناس ارشد کاردرمانی، مربی دانشکده

علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دریافت: ۹۰/۷/۲۶

اصلاح نهایی: ۹۰/۱۰/۱۰

پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۸

مقدمه

مطابق با گزارش جدیدی که اولین برون‌داد برای شیوع جهانی ناتوانی در طی چهل سال می‌باشد، بیشتر از یک میلیارد نفر در سراسر جهان دارای ناتوانی هستند. سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی گزارش کردند که تقریباً پانزده درصد از جمعیت جهان دارای ناتوانی می‌باشند که این مقدار به خاطر سن و رشد بیماری‌های مزمن رو به افزایش است [۱].

در تمام دنیا همواره بخش قابل توجهی از کودکان بر اثر عوامل ژنتیکی، مسایل و مشکلات دوران جنینی، آسیب‌های زمان تولد و بیماری‌ها و حوادث بعد از تولد دچار نقیصه‌هایی در ذهن، جسم و حواس خود می‌شوند با وجود حضور کودکان دچار نارسایی‌ها در اجتماع بیشتر اوقات به نیازها و توانمندی‌های آنها توجه نمی‌شود. شاید دلیل عمده این امر عدم شناخت کافی و مناسب از ویژگی‌های این گروه از افراد است.

معمولاً نیازهای کودکان دچار نارسایی‌ها مورد شناسایی قرار نمی‌گیرند و تصور می‌شود که آنها چیزی برای ارایه به جامعه ندارند نادیده گرفتن فرصت‌های این کودکان برای یادگیری سبب کاهش رشد آنها شده و همچنین باعث تشدید محرومیتشان می‌شود [۲].

پدیده معلولیت و عواقب منفی جسمی روانی و اجتماعی ناشی از آن یکی از موانع رشد و توسعه یک کشور قلمداد می‌شود. عدم شناخت صحیح نسبت به معلولیت و توانایی‌های افراد دارای معلولیت و به دنبال آن نادیده گرفتن و در حاشیه گذاشتن این افراد و یا ترحم نسبت به آنان به جای رفتارهای انسانی و منطقی موجب به وجود آمدن پیامدهای منفی خواهد شد که در نهایت جامعه نیز از آسیب آن در امان نخواهد بود. معلولیت به صورت بالقوه به عنوان یک معضل اجتماعی و یک عامل بازدارنده است که مانعی برای رشد و توسعه یک کشور محسوب می‌گردد در حالی که شناخت صحیح از این پدیده، آگاهی از توانمندی‌های افراد معلول و استفاده بهینه از این نیرو گام مؤثری در جهت توسعه یک کشور خواهد بود [۳].

اقدام برای رفع نیازها، ایفای نقشها و رفتارهای اجتماعی او تأثیرات نامطلوب برجای گذارد در مقابل به نظر می‌رسد که نگرش‌های مثبت مبتنی بر واقعیت‌ها و توجه بیشتر به توانمندی‌ها و کم توجهی نسبت به ناتوانی‌های معلولان احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس و نیز مقبولیت اجتماعی را در آنان بوجود می‌آورد [۴].

با توجه به سیاست‌هایی که آموزش فراگیر را هواداری می‌کند آموزش دانش آموزان دارای ناتوانی اغلب در مجموعه تلفیقی صورت می‌گیرد. اما دستیابی به یک مدرسه عادی ضرورتاً تضمین مشارکت کامل نیست و دانش آموزان دارای ناتوانی تلفیق شده اغلب ارتباطات معدودی دارند. این محدودیت مشارکت اجتماعی هم از فاکتورهای محیطی و هم شخصی ایجاد شده است و شامل نگرش منفی همسالان می‌شود که نقشی مهم را ایفا می‌کند. نگرشها چند بعدی‌اند و متشکل از بخشهای شناختی، عاطفی و رفتاری می‌باشند. بخش عاطفی بیانگر احساس و پاسخهای عاطفی و بخش رفتاری وابسته به رفتار واقعی یا نیت است و بخش شناختی اعتقادات و آگاهی را منعکس می‌کند [۵].

نگرشها از طریق تجارب مستقیم و غیر مستقیم و تعاملات با افراد دارای ناتوانی، اشیا و وقایع یاد گرفته می‌شوند و به شدت تحت تأثیر گروه اجتماعی آغازین کودک هستند به علاوه زمانی که شخص با نگرش مرجع مواجه شود نگرشها رفتار را توسط تمایل به عمل در جهت مثبت یا منفی آشکار می‌کنند [۶]. همزمان با نخستین تعامل‌ها و یادگیری‌های کودک برخی نگرشهای پایدار (مانند احساس پذیرش و مورد علاقه بودن) در او بوجود می‌آید که به لحاظ اهمیت مراحل رشد شخصیت، بنیادین و ریشه دار هستند بعدها به موازات رشد و تثبیت شخصیت فرد به این نگرشهای نسبتاً عمیق، نگرشهای دیگری اضافه می‌شود که ویژگی‌های متفاوت و عمق کمتری دارند [۴]، بی تردید نگرش دانش آموزان نسبت به معلولیت به شدت تحت تأثیر محیط خانه و مدرسه قرار می‌گیرد. گلمن در سال ۱۹۵۹ معتقد بود مردم بر اساس تجارب قبلی خود نسبت به افراد معلول به پیش داوری

به عنوان مثال حتی در یک گروه هم، تفاوت نگرشی وجود دارد که ناشی از قضاوت شخصیت افراد است [۹].

در حال حاضر با گسترش نهضت عادی سازی و اجرای برنامه‌های یکپارچه سازی آموزشی در آموزش و پرورش دانش آموزان دارای نیازهای ویژه تحولات چشم گیری رخ داده است به گونه‌ای که بسیاری از متخصصان آموزش و پرورش ویژه معتقدند که کودک باید در یک محیط باز و با کم‌ترین محدودیت آموزش ببیند و رشد کند. از سوی دیگر در مسیر موفقیت برنامه‌های آموزشی و توانبخشی بویژه اجرای برنامه‌هایی چون مؤسسه زدایی و یکپارچه سازی آموزشی و اجتماعی باید بر موانع آشکار (موانع فیزیکی و قانونی) و غیر آشکار (موانع نگرشی) غلبه نمود.

با توجه به گسترش سیاستهای فراگیر سازی و اهمیت موضوع نگرش در موفقیت این برنامه‌ها و با توجه به اینکه مطالعات اندکی در ارتباط با نوع نگرش دانش آموزان نسبت به افراد دارای ناتوانی انجام شده است، این پژوهش به منظور یافتن میزان پذیرش و شناخت دانش آموزان دارای ناتوانی توسط همسالان عادی انجام شده است و تلاش شده است که در ابتدا نوع نگرش دانش آموزان نسبت به همسالان دارای ناتوانی با استفاده از پرسشنامه نگرش‌سنج بررسی شود و سپس فاکتورهای فردی و محیطی مرتبط با این نگرشها مشخص گردند. تحقیق حاضر در تعیین نگرش دانش آموزان و ارزیابی برنامه‌هایی که برای بهبود نگرش طراحی شده‌اند مفید است. زیرا ایجاد نگرش مثبت در نسل آینده نسبت به معلول و معلولیت به منزله پیشگیری و توقف روند شکل گیری باورهای نادرست است و می‌تواند زمینه شناخت و درک متقابل جامعه و معلولین را فراهم سازد.

با توجه به اهمیت موضوع نگرش، در سالهای گذشته محققان در کشورهای گوناگون پژوهش‌های بیشتری در رابطه با نگرش کودکان نسبت به افراد دارای ناتوانی انجام دادند و به بررسی فاکتورهای مرتبط با نگرشها پرداختند و در برخی موارد نتایج متناقضی هم گزارش کردند.

می‌پردازند و از ابتدا نسبت به آنها نگرش منفی دارند. این نگرشها با ورود کودک به مدرسه در مقابل تغییر مقاوم می‌شوند و جو کلاس و ارزشهای اجتماعی نیز اثر تقویت‌کنندگی بر آن دارند. به اعتقاد وی کلاس‌های دبستانی مکان مناسبی برای پرورش نگرش هستند که نه تنها باعث حفظ یا تعدیل نگرشهای دانش آموزان می‌شوند بلکه در ایجاد نگرشهای جدید سهم بسزایی دارند [۷]. نگرش‌ها، ویژگی‌های ذهنی افراد است که مشخصات دنیای اجتماعی و فیزیکی را در خود دارد و از راه تجربه کسب می‌شود و نتیجه آموزش و یادگیری است. چهار شرط عمده می‌تواند موجب پیدایی نگرش شود:

۱- تراکم تجربه: سر و کار داشتن با موضوع یا گروهی از اشخاص و تجربه‌های نزدیک یا مشابه آن.

۲- تمایز گذاشتن: در تجربه‌های جدیدی که به دست می‌آید، نگرش را از نگرش‌های نزدیک به آن متمایز می‌سازند.

۳- ضربه عاطفی: بر پایه یک تجربه تلخ قرار دارد که شخص یا موضوعی در آن دخیل است.

۴- تقلید از دیگران: نگرش‌ها از طریق تقلید از والدین، دوستان و معلمان حاصل می‌شود و این شرط اهمیت بیشتری دارد و شمار زیادی از نگرش‌ها از این طریق ایجاد می‌شود [۸].

برخی دیگر از محققان، عوامل تکوین نگرش‌ها را ۴ عامل عمده زیر دانسته‌اند:

۱- آنچه که نیازهای شخصی را برآورد. به عنوان مثال دانشجویی که با وجود همه مشکلات به تحصیل ادامه می‌دهد، ثابت می‌کند نسبت به درس و تحصیل، نگرش مثبتی دارد.

۲- کسب اطلاعات درباره موضوع یا شیء یا فرد خاص. مثلاً اگر شخص از طریق رسانه بحث‌هایی را در مورد انرژی هسته‌ای شنیده باشد طبعاً نگرشی راجع به این موضوع پیدا می‌کند.

۳- تعلق گروهی، تعلق کودک در خانواده به عنوان عضوی از آن سبب می‌شود که نگرشی مشابه نگرش خانواده را در خود شکل دهد.

۴- شخصیت فرد. نگرش منعکس کننده شخصیت فرد است.

امتیاز نگرش بالاتری نسبت به اشخاص بدون تماس بدست آوردند [۱۴].

کلین ویگنس (Vignes) و همکاران در تحقیقی با عنوان تعیین نگرش دانش آموزان نسبت به همسالان دارای ناتوانی، نگرش کل دانش آموزان ۱۳-۱۲ ساله از ۱۲ مدرسه در منطقه تولوس (۱۵۰۹ نفر) را با استفاده از پرسشنامه CATCH^۱ بررسی نمودند. جنسیت مؤنث، آشنا بودن با کودک دارای ناتوانی، داشتن آگاهی درباره ناتوانی از طریق والدین و رسانه، فاکتورهای مؤثر در نگرش مثبت و حضور دانش آموزان دارای ناتوانی در کلاس‌های ویژه در ارتباط با نگرش، منفی تشخیص داده شدند [۵]. گول بوسارت و همکاران در تحقیقی به بررسی نگرش نوجوانان بلژیکی نسبت به همسالان دارای ناتوانی و بررسی فاکتورهای مرتبط با این نگرش‌ها پرداخته‌اند. با استفاده از مقیاس CATCH نگرش ۱۶۷ نوجوان ۲۰-۱۱ ساله بررسی شد. نگرش مثبت در دختران و افرادی که برنامه تلویزیونی از یک فرد دارای ناتوانی را قبل از بررسی نگرش مشاهده کردند دیده شد. فاکتورهایی مثل داشتن والدین، خواهر، برادر و دوست صمیمی دارای ناتوانی و تماس مداوم با اشخاص دارای ناتوانی تأثیر زیادی در نگرش نداشتند [۱۵].

به‌پژوه و دادور در مقایسه نگرش دانش آموزان دبیرستانهای تلفیقی و عادی نسبت به دانش آموزان ناشنوا و یکپارچه سازی آموزشی آنان تفاوت معنی داری بین نگرش دو گروه مشاهده نکردند [۱۶]. فلاحتی تأثیر یکپارچه سازی آموزشی را بر آگاهی و نگرش دانش آموزان عادی دبیرستانهای شهرستان یزد نسبت به مفهوم نابینا و نابینایی بررسی کرد. نتایج نشان داد که بین میانگین نمره نگرش در دو گروه تلفیقی و غیر تلفیقی تفاوت معنی دار است و نیز در مدارس غیر تلفیقی نگرش دانش آموزان دختر مثبت‌تر از دانش آموزان پسر بود [۱۷]. مسلمی در بررسی آگاهی و نگرش دانش آموزان پسر و دختر مقطع پیش دانشگاهی منطقه

تامسون و لیلی تأثیر یکپارچه سازی را روی نگرش دانش آموزان عادی نسبت به همسالان دارای ناتوانی بررسی کردند نتایج نشان داد که در مدارس فراگیر نگرش به طور چشم گیر مثبت‌تر است و افرادی که خویشاوند یا دوست دارای ناتوانی در بیرون مدرسه داشتند نگرش مثبت‌تری نشان دادند. جنسیت تأثیر زیادی در نگرش نداشت [۱۰]. استیون و همکاران تحقیقی با عنوان نگرش دانش آموزان نسبت به همسالان دارای ناتوانی، جایگزینی دانش آموزان از یک مرکز حمایتی به یک مجموعه فراگیر را انجام دادند. این تحقیق تغییرات در نگرش همسالان را به دنبال فراگیر سازی دانش آموزان جداسازی شده به یک مدرسه عادی بررسی کرده است. در این مطالعه کل دانش آموزان ۸ ساله (۱۹۹ نفر) در استرالیای غربی بررسی شدند. نگرش دانش آموزان با استفاده از مقیاس (PATHS) در شروع و پایان نیمسال اول در ۲۰۰۳ بررسی شد. پس از گذشت شش ماه از برنامه فراگیر سازی یافته‌ها نشان دادند که پذیرش دانش آموزان دارای ناتوانی توسط همسالانشان افزایش یافته است [۱۱]. میکایل تونسنند و جون هاسال (Michael Townsend and John Hassall) در پژوهشی نگرش ۱۷۰ دانش آموز ۱۲-۱۰ ساله در چهار مدرسه در نیوزلند را نسبت به فراگیر سازی دانش آموزان با ناتوانی ذهنی در برنامه ورزشی مدرسه‌شان بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد که دانش آموزان نگرش مثبت نسبت به فراگیر سازی دانش آموزان دارای ناتوانی ذهنی در برنامه‌های ورزشی داشتند که بیانگر پذیرش اجتماعی دانش آموزان با ناتوانی ذهنی توسط دانش آموزان عادی در نیوزلند است [۱۲]. ونگ (Wong) تأثیر یکپارچه سازی را روی نگرش دانش آموزان عادی در یک مدرسه راهنمایی نسبت به افراد دارای ناتوانی بررسی کرده است نتایج نشان داد که تعاملات خارج کلاس تأثیر کمی روی تغییر نگرش دارد [۱۳]. مارلین لانگوین (Marilyn Langevin) نگرش همسالان نسبت به کودکان دارای لکنت زبان را بررسی کرده است و تقریباً یک پنجم شرکت کنندگان نمرات نگرش منفی کسب کردند و افرادی که با اشخاص دارای لکنت زبان تماس داشتند میانگین

¹ The Chedoke-McMaster Attitudes Towards Children with Handicaps Scale

شماره‌ای که در فهرست اسامی دانش آموزان به هر یک از آنان اختصاص داشت انتخاب شدند. در این پژوهش تنها نگرش دانش آموزان عادی مورد بررسی قرار گرفته است و دانش آموزان با هر نوع معلولیت از مطالعه خارج گشتند.

نمونه‌گیری به روش تصادفی بر اساس مدرسه و جنسیت هر یک از دانش آموزان در منطقه ۱۰ شهر تهران انجام گرفت. متغیر وابسته در این پژوهش نگرش و متغیرهای مستقل آشنائی و تعامل، متغیرهای زمینه‌ای شامل جنس، تحصیلات و اشتغال والدین بود. در این مطالعه پس از اخذ مجوز از سازمان آموزش و پرورش دانش آموزان انتخاب شدند و اهداف پژوهش برای آنان شرح داده شد و سپس پرسشنامه در اختیارشان قرار گرفت. از کلیه شرکت کنندگان جهت شرکت در مطالعه رضایت نامه کتبی اخذ گردید. دانش آموزان ابتدا فرم مشخصات جمعیت شناختی و سؤالاتی پیرامون منابع و میزان آشنائی درباره افراد دارای ناتوانی را تکمیل کرده و سپس پرسشنامه نگرش سنج در اختیارشان قرار گرفته است. این مقیاس توسط کمالی و سلیمانی برای سنجش نگرش کودکان از افراد دارای ناتوانی طراحی شده است و شامل ۳۰ گویه می‌باشد که نگرش را بر مبنای الگوی مقیاس لیکرت می‌سنجد و پاسخگو با عبارات (کاملاً موافقم/ موافقم/ نظری ندارم/ مخالفم/ کاملاً مخالفم) به این عبارات پاسخ می‌دهد. از این طریق پاسخهای بدست آمده شامل پنج دسته پاسخ خواهد بود و نمره این عبارات بین ۱+ تا ۵+ متغیر است. در این صورت سطح سنجش هر عبارت رتبه‌ای خواهد بود و با مجموع نمرات عبارات، امتیاز کل فرد در سطح سنجش فاصله‌ای یا نسبتی به دست می‌آید.

بر این اساس امتیاز کل بین ۳۰ تا ۱۵۰ متغیر است. از مجموع عبارات، سؤالات (۱، ۳، ۴، ۶، ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۰) دارای بار معنایی منفی بودند که نمرات معکوس در مورد آنها اعمال گردید. جهت تأیید روایی پرسشنامه در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران قرار گرفت و جهت تأیید پایایی نیز پنجاه نمونه پس از دو هفته مجدداً پرسشنامه را تکمیل نمودند.

۱۴ تهران در مورد معلولیت دریافت که بین جنسیت و آگاهی و نگرش دانش آموزان تحت مطالعه نسبت به معلولیت و نیز بین متغیرهای وجود معلول در خانواده، همکلاس بودن با معلول و تماس با معلول با آگاهی و نگرش دانش آموزان نسبت به معلولیت ارتباط معنی داری وجود ندارد. اما بین میزان تحصیلات والدین با آگاهی و نگرش دانش آموزان رابطه معنی داری وجود داشت دانش آموزانی که میزان تحصیلات والدین آنها بالاتر بودند میزان آگاهی و نگرش آنها نسبت به معلولیت بالاتر بود [۱۸].

بنابراین با توجه به اینکه در حال حاضر بخش عمده‌ای از فعالیت‌های سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور به سوی گسترش آموزش و پرورش تلفیقی و فراگیر است و نگرش دانش آموزان عادی نقش مهمی می‌تواند در پذیرش دانش آموزان دارای ناتوانی و موفقیت این برنامه داشته باشد، این مطالعه با هدف نگرش دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی نسبت به همسالان دارای ناتوانی و تعیین عوامل مرتبط با آن انجام شد.

روش پژوهش

مطالعه به شیوه توصیفی، تحلیلی از نوع مقطعی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان مقطع پنجم ابتدایی آموزش پرورش منطقه ۱۰ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود و با فرض بر اینکه دانش آموزان بزرگتر درک بهتری از مفاهیم و سؤالات پرسشنامه دارند دانش آموزان پایه پنجم جهت بررسی برگزیده شدند. با هماهنگی و اخذ مجوز از سازمان آموزش و پرورش کل شهر تهران، منطقه ۱۰ برای مطالعه تأیید شد و آموزش و پرورش منطقه ۱۰ برای انجام بررسی در ۵ مدرسه (۳ دخترانه و ۲ پسرانه) موافقت نمود. در مجموع ۱۰ کلاس (۵ دخترانه و ۵ پسرانه) تقریباً ۴۰۰ دانش آموز جامعه آماری مطالعه را تشکیل دادند. با توجه به مطالعات مشابه تعداد سیصد نفر از دانش آموزان برای مطالعه در نظر گرفته شدند. که این تعداد به صورت تصادفی از طریق

نرمال داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-سمیرنوف از آزمون T و آنالیز واریانس برای بررسی رابطه بین هر یک از متغیرها با نگرش استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱ درباره منابع آشنائی دانش آموزان در مورد معلولیت اطلاعاتی ارائه شده است. همانطور که در جدول در مورد منابع کسب آشنائی مشاهده می‌شود بالاترین فراوانی مربوط به تلویزیون است که ۵۸/۸ درصد را به خود اختصاص داده است.

ضریب همبستگی به میزان ۰/۷۳۵ محاسبه شد که چون این عدد از ۰/۷۰ بزرگتر است پایایی بالای آزمون را نشان می‌دهد. همچنین لازم به ذکر است که علت استفاده از اصطلاح معلول در عبارات پرسشنامه به دلیل آشنائی و درک بیشتر کودکان از این اصطلاح بوده است.

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، بازبینی پاسخ‌ها، کدگذاری و سپس وارد کردن اطلاعات روی فایل‌های نرم افزاری و انتقال به SPSS-۱۷ محاسبات آماری انجام گردید. هر یک از متغیرها و نیز تک تک سؤالات از نظر آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و درصد فراوانی هر یک از آنها بدست آمد. در بخش آمار استنباطی پس از بررسی توزیع

جدول ۱: توزیع فراوانی منابع آشنائی در مورد معلولیت در بین دانش آموزان مورد مطالعه

گزینه‌ها	تعداد	درصد
کتاب داستان	۴۱	۱۳/۶
تلویزیون	۱۷۴	۵۸/۸
رادیو	۱۲	۰/۴
کتاب درسی	۳۰	۰/۱۰
مدرسه	۳۸	۱۲/۶
خانواده و خویشان	۴۵	۰/۱۵
همسایگان	۳۰	۰/۱۰
روزنامه	۲۷	۰/۹
فیلم سینمایی	۸۳	۲۷/۶

میانگین نمره در جامعه مورد مطالعه نیز اختصاص به سوال ۱۸ داشت. این سوال عبارت بود از: "اگر کودکان معلول از من کمک بخواهند به آنها کمک می‌کنم". میانگین نمره این سوال ۴/۶۳ بود. با توجه به همگن بودن جامعه مطالعه از نظر تحصیلی و سنی امتیازات نگرش ۱۱۱ و بالاتر را مطلوب می‌دانیم نتایج حاصل در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

همان طور که قبلاً ذکر شد مقیاس سنجش نگرش کودکان از افراد دارای ناتوانی شامل ۳۰ گویه می‌باشد و امتیاز کل بین ۳۰ تا ۱۵۰ متغیر است. حداقل نمره کسب شده ۶۱ و حداکثر نمره ۱۴۲ می‌باشد. میانگین نمرات ۱۰۹/۳۸۵۴ می‌باشد و مقدار مد ۱۲۰، میانه ۱۱۰، واریانس ۱۷۹/۲۸۴ و انحراف معیار ۱۳/۳۸۹۷۱ می‌باشد. در کل جامعه مورد مطالعه کمترین میانگین نمره مربوط به سؤال ۸ پرسشنامه بود این سوال عبارت بود از: "کودکان معلول وقتی بزرگ می‌شوند، خوب می‌شوند". میانگین نمره این سوال ۲/۳۷ بود. بالاترین

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان به پرسشنامه بر اساس میزان امتیاز کسب شده پیرامون نگرش

شرح متغیر	تعداد	درصد
کمتر از ۱۰۰ (ضعیف)	۷۳	۲۴/۳
۱۰۱-۱۱۰ (متوسط)	۸۰	۲۶/۶
۱۱۱-۱۲۰ (خوب)	۸۵	۲۸/۲
۱۲۱ و بالاتر (عالی)	۶۳	۲۰/۹
جمع	۳۰۱	۱۰۰

امتیاز نگرش

نمونه مورد مطالعه با استفاده از آزمون تی مستقل می‌پردازیم. جدول شماره سه وضعیت وجود تفاوت معنادار بین گروه‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین هیچیک از موارد تفاوت معنادار مشاهده نشد.

در آمار استنباطی نیز به دلیل توزیع نرمال نگرش کل، از آزمون‌های پارامتریک و جداول دو بعدی برای بررسی رابطه بین متغیرها و امتیازات نگرش برای اثبات یا رد فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. ابتدا به بررسی ارتباط بین متغیرهای جمعیت‌شناسی و نوع نگرش نسبت به معلولان در

جدول ۳: ارتباط بین متغیرهای جمعیت‌شناسی و امتیاز نگرش در بین دانش آموزان مورد مطالعه

ردیف	متغیر	مقدار T و F	معناداری
۱	جنس	۱/۹۹	P=۰/۱۵
۲	شغل مادر	۱/۳۳	P=۰/۲۴
۳	شغل پدر	۰/۳۵	P=۰/۵۵
۴	تحصیلات مادر	۱/۵۴	P=۰/۲۰
۵	تحصیلات پدر	۰/۵۲	P=۰/۷۳

ناتوانی استفاده شد. نتایج آزمون تی مستقل در جدول شماره ۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مشخص است تنها تفاوت معنادار بواسطه داشتن دوست معلول مشاهده شده است.

برای بررسی ارتباط بین آشنایی و تعامل با افراد دارای ناتوانی و امتیاز نگرش از سه موضوع داشتن دوست معلول، مصاحبت با افراد دارای ناتوانی و آشنایی با خصوصیات افراد دارای

جدول ۴: ارتباط بین متغیرهای آشنایی و تعامل با افراد دارای ناتوانی و امتیاز نگرش در بین دانش آموزان مورد مطالعه

ردیف	متغیر	مقدار T	معناداری
۱	داشتن دوست معلول	۴/۰۵	P= ۰/۰۴
۲	مصاحبت با افراد دارای ناتوانی	۰/۳۴	P= ۰/۵۵
۳	آشنایی با خصوصیات افراد دارای ناتوانی	۰/۱۳	P= ۰/۷۱

در چهار دسته شامل ضعیف/ متوسط/ خوب و عالی قرار گرفتند. اگر نگرش‌های ضعیف و متوسط که شامل امتیازات نگرش ۱۱۰ و پایین‌تر است را به عنوان نگرش منفی و نگرش‌های خوب و عالی را که شامل امتیاز نگرش ۱۱۱ و

بحث

تعیین نگرش دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی نسبت به همسالان دارای ناتوانی یکی از موضوعات مورد نظر در پژوهش حاضر بود. بر اساس نتایج بدست آمده نوع نگرش

شخصیتی فرد مورد مطالعه، تفاوت‌های فرهنگی، باورهای مذهبی، نوع و میزان تعامل اجتماعی و نیز میزان آگاهی و اطلاعات که در نتایج بدست آمده از پژوهش‌های مختلف باید مد نظر قرار گیرند. از محدودیتهای این پژوهش نبودن پیشینه تحقیق در ایران و کمبود منابع داخلی و خارجی که مستقیم به موضوع پژوهش مربوط باشد و فقدان ابزار سنجش دقیق نگرش منطبق با فرهنگ ایران بود. همچنین نتایج به تمام مناطق شهر تهران قابل تعمیم نیست. با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهادات برای مطالعات بعدی شامل انجام تحقیقات کیفی در زمینه یافتن مشکلات نگرش دانش آموزان نسبت به معلولین، بررسی تأثیر آموزش بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به معلولین و بررسی نگرش دانش آموزان نسبت به معلولین در سایر مناطق شهر تهران است.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر نشان داد که داشتن دوست معلول باعث بهبود نگرش نسبت به این افراد می‌گردد یعنی دوستی با دانش آموز دارای ناتوانی و آگاهی از توانمندی‌های او می‌تواند بر نگرش نسبت به این افراد مؤثر باشد. اما مصاحبت با افراد دارای ناتوانی در بهبود نگرش نسبت به این افراد تأثیری نداشت. با توجه به آنچه از این پژوهش بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت برای غلبه بر نگرش منفی نسبت به افراد دارای ناتوانی تنها مصاحبت کافی نیست بلکه باید آگاهی و شناخت افراد بالاتر رود. در جامعه امروز فراگیر سازی به عنوان فلسفه و رویکردی برای تحصیل دانش آموزان دارای ناتوانی در مدارس عادی تعریف می‌شود. در آموزش و پرورش فراگیر تعاملات دانش آموزان عادی با دانش آموزان دارای ناتوانی بیشتر است و زمینه برای شناخت بیشتر دانش آموزان عادی درباره توانایی‌های همسالان دارای ناتوانی فراهم است. به نظر می‌رسد که در صورتی که آموزش فراگیر به هدف اصلی خود که همان مشارکت کامل دانش آموزان دارای ناتوانی در کلاس‌های عادی است نایل شود، به گونه‌ای که دانش آموزان

بالاتر است را به عنوان نگرش مثبت فرض نماییم می‌توان گفت بر اساس نتایج بدست آمده تقریباً نیمی از افراد نگرش مثبت و نیمی دیگر نگرش منفی داشتند (نگرش منفی اندکی بیشتر بود). متغیرهای جمعیت شناختی و مصاحبت با افراد معلول و آشنائی با خصوصیات آنان تأثیری بر نوع نگرش نداشتند اما داشتن دوست معلول بر نوع نگرش مؤثر شناخته شد. در تحقیق حاضر جنسیت تأثیر زیادی در نگرش نداشت که مشابه با نتیجه بدست آمده توسط تامسون و لیلی [۱۰] در سال ۱۹۹۴ و مسلمی [۱۸] در سال ۱۳۸۵ می‌باشد، اما در پژوهش کلین ویگنس و همکاران [۵] در سال ۲۰۰۹، گول بوسارت و همکاران [۱۵] در سال ۲۰۰۱ و فلاحتی [۱۷] در سال ۱۳۷۹، دختران نگرش مثبت‌تری نسبت به پسران داشتند. در پژوهش مسلمی [۱۸]، دانش آموزانی که تحصیلات والدینشان بیشتر بود امتیاز نگرش بالاتری کسب نمودند اما در این مطالعه ارتباط معنا داری بین تحصیلات والدین و امتیاز نگرش بدست نیامد. در این تحقیق دانش آموزانی که دوست معلول داشتند امتیاز نگرش بالاتری نسبت به دانش آموزانی که دوست معلول نداشتند کسب نمودند. تامسون و لیلی [۱۰]، مارلین لانگوین [۱۴]، کلین ویگنس و همکاران [۵] نتیجه مشابه را گزارش نمودند. اما گول بوسارت و همکاران [۱۵] و مسلمی [۱۸]، ارتباطی بین امتیاز نگرش و داشتن دوست معلول گزارش نکردند.

در این مطالعه مصاحبت با افراد معلول و آشنایی با خصوصیات آنان تأثیری بر نگرش نداشت. به نظر می‌رسد که در مدارس تلفیقی مصاحبت با افراد دارای ناتوانی و آشنایی با خصوصیات آنان بیشتر باشد. از میان مطالعاتی که نگرش را در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی مقایسه نمودند. ونگ [۱۳]، به‌پژوه و دادور [۱۶] و مسلمی [۱۸] تفاوت معنی داری بین نگرش دو گروه مشاهده نکردند. در صورتی که در پژوهش تامسون و لیلی [۱۰]، کلین ویگنس و همکاران [۵] و فلاحتی [۱۷] امتیاز نگرش در گروه تلفیقی بالاتر از گروه غیر تلفیقی گزارش شد. همچنین عوامل متعددی بر نگرش افراد نسبت به افراد دارای ناتوانی تأثیر گذار است مانند خصوصیات

گنجاندن اطلاعات درباره تعریف، علت شناسی و پیشگیری از انواع معلولیت‌ها در کتاب‌های درسی. این پژوهش نوع نگرش‌ها را مشخص کرده و می‌تواند زمینه را برای مطالعات مداخله‌ای بر مبنای آموزش به دانش آموزان در جهت تغییر نگرش و بالا بردن آگاهی آنان برای درک تفاوت‌ها و ارزش گذاردن به آنها فراهم سازد. کم بودن پژوهش‌ها در این زمینه ضرورت پژوهش‌های بیشتر بخصوص در زمینه مداخلات مناسب جهت بهبود نگرش را آشکارتر می‌سازد.

سپاسگزاری

نویسندگان از مسؤولین و دانش آموزان مدرس ابتدایی منطقه ۱۰ تهران کمال سپاسگزاری را می‌نمایند.

سهم نویسندگان

ایده و طراحی مطالعه: محمد کمالی
جمع آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها: نسرين حبیبیان، محمد کمالی، ملاحظت اکبرفهمی
نگارش، تدوین و ویرایش مقاله: نسرين حبیبیان

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

عادی از توانایی‌های افراد دارای ناتوانی مطلع گردند می‌تواند در بهبود نگرش آنان مؤثر باشد.

از سوی دیگر این مطالعه نشان داد که تلویزیون مهم‌ترین منبع اطلاعاتی افراد در مورد معلولیت بود به شکلی که بالاترین فراوانی را در جامعه مورد مطالعه به خود اختصاص داد. بنابراین از تلویزیون می‌توان در فرهنگ سازی برای اصلاح نگرش اقشار گوناگون جامعه استفاده نمود. از کاربردهای این پژوهش آگاه سازی کارشناسان و مدیران ستادی و اجرایی آموزش و پرورش عادی و ویژه از وضعیت نگرشی و نیز ارائه پیشنهادات مشخص به سازمانهایی مانند بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی، سازمانهای غیر دولتی در ارتباط با معلولان، صدا و سیما، دانشگاهها و... در طراحی سیاستهای آتی و استراتژیهای برای بالا بردن آگاهی عمومی و عادی کردن انواع مختلف ناتوانی‌ها با استناد به نتایج حاصله می‌باشد. همچنین راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود، استفاده از برنامه‌های یکپارچه سازی آموزشی و اجتماعی به منظور فراهم کردن فرصتهایی برای تعامل اجتماعی میان دانش آموزان عادی و معلول، آموزش همگانی، اطلاع رسانی و ارتقای سطح آگاهی عموم مردم درباره پیشگیری از معلولیت‌ها و علت شناسی انواع معلولیت‌ها از طریق سازمان صدا و سیما، تهیه فیلم‌ها و سخنرانی‌هایی از معلولین موفق و

References

- 1- Heasley S. Report: 15 percent worldwide have disabilities. Available at URL: <http://www.disabilitycoop.com/2011/06/10/15-percent-worldwide/13306/>. Accessed June 10, 2011.
- 2- Alizadeh H. Philosophy, pros and cons of inclusive education. *Journal of Exceptional Education Special issue on Inclusive Education* 2003; 3(18,19): 27-32. [In Persian]
- 3- Kaldi A. Attitude of people towards disabilities. *Social science Quarterly of Alameh Tabatabaei University* 2001; PP: 75-202. [In Persian]
- 4- Yosefy Esfahany A. Attitude towards disable and disability, realities and necessities. *Journal of*

- Exceptional Education* 2005; 4(38-39): 2-9. [In Persian]
- 5- Vignes, C, Godeau, E, Sentenac M, Coley N, Navarro, F, Grandjean, HC. Determinants of students' attitudes towards peers with disabilities. *Dev Medicine Child Neurol* 2009; 51(6): 473-479.
- 6- Favazza, Paddy C, Samuel L. Promoting positive attitudes of kindergarten-age children toward people with disabilities. *Except Child* 1997; 63(3): 405-418.
- 7- Adib Sereshki et al. The effects of preparation plan on acceptance scale of regular students to students with sensory-dynamic disorder in inclusive and regular schools. *Research in Compass of Exceptional Children* 2007; 7(3): 264-247. [In Persian]

- 8- Sotoodeh H. Prolusion on social psychology. Third edition. Tehran. Avay Noor; 1997. [In Persian]
- 9- Colb W, Gould J. Parham B. In translation cultur of social sciences. Tehran. Mazyar; 1997. [In Persian]
- 10- Thomson DJ, Lillie L. The effects of integration on the attitudes of non-disabled pupils to their disabled peers. *Physiotherapy* 1995; 81(12): 746-752.
- 11- Mcgregor S, Forlin C. Attitude of students towards peers with disabilities: relocating students from an education support centre to an inclusive middle school setting. *International Journal of whole Schooling* 2005; 1(2): 18 - 34.
- 12- Townsend M, Hassall J. Mainstream Students' attitudes to possible inclusion in unified sports with students who have an intellectual disability. *J Appl Res Intellect Disab* 2007; 20(3): 265-273.
- 13- Wong DK. Do contacts make a difference? The effects of mainstreaming on student attitudes toward people with disabilities. *Res Dev Disabil* 2008; 29(1): 70-82.
- 14- Langevin M. The peer attitudes toward children who stutter scale: reliability, known groups validity, and negativity of elementary school-age children's attitudes. *J Fluency Disord* 2009; 34(2): 72-86.
- 15- Bossaert G, Colpin H, Pijland S, Petry K. The attitudes of belgian adolescents towards peers with disabilities. *Res Dev Disabil* 2011; 32(2): 504-9.
- 16- Behpazhoh A, Dadvar A. Campairson of regular and integrative high school students attitude toward indistinct students and their educational integration. *Magazine of Psychology* 2001; 371-387. [In Persian]
- 17- Falahaty M. Study of effect of educational integration on cognizance and attitude of regular high school students to blind concept in academic year 1998-1999 in yazd city [dissertation]. Thesis for Post graduate of rehabilitation management. University of Welfare and Rehabilitation Sciences 2000. [In Persian]
- 18- Moslemy R. Study of cognizance and attitude of preuniversity girl and boy students dependent to 14 area in Tehran to handicap [dissertation]. Thesis for Post graduate of rehabilitation management. University of Welfare and Rehabilitation Sciences 2006. [In Persian]

How to cite this article: Habibian N, Kamali M, Akbarfahimi M. The attitudes of fifth level students' elementary schools toward peers with disabilities and related factors. *J Research Health* 2012; 2(2):181-190.